

مردم و حرکت در جهت منافع ملی، عناصری تعیین کننده در آن خواهد بود. اعتراض مسالمت آمیز اگر در چهارچوب قواعد قانونی و اخلاقی در ساخت قدرت نهادینه شود، می تواند زبان گفت و گو بیافریند و در مشروعیت گفتمان فرهنگی دولت نقش آفرین باشد. این همان تفاوت بارزی است که نوربرت الیاس درباره جایگزینی فرهنگ گفت و گو به جای خشونت به عنوان پیامدهای مثبت دولت سازی مدرن نسبت به دولت های فئودالی برشمرده است. زبانی که گوینده و شنونده در آن حاضر و به رسمیت شناخته می شوند و ذیل قواعد مشخصی تولید معنا می کنند. نفس اعتراض برای شنیده شدن و دیده شدن است و پیش فرض معترض، امکان تخاطب، برقراری ارتباط و انتقال انتقاد است و دقیقاً با این پیش فرض هاست که از صف اغتشاش فاصله می گیرد. معترض پیگیر اجرای عدالت از طریق حق جمهوری است که برای دولت محترم و مستقر است. امید و انتظار معترض بر امکان اعتراض و تخاطب بدین معناست؛ یعنی وجود و حضور اطمینان بخش به استمرار جمهوریت و تحقق عدالت. بر این اساس، می توان گفت نهاد اعتراض، یکی از اجزای نظام کنترل اجتماعی است که توسط مردم بر شیوه اجرای عدالت و تسری آن در جامعه درون یک ساخت قدرت مردم سالار برقرار می شود.

در ادبیات دینی و فلسفه سیاسی اسلام این نظام کنترلی، همان لایه کلان «امر به معروف و نهی از منکر» است. نظارت اجتماعی که آحاد مؤمنان باید بر حاکمیت و حکمران داشته باشند، نه تنها صورت یک حق را می پذیرد، بلکه عین تکلیف است. وجود حق اعتراض و پذیرش آن (دادخواهی)، ضامن سلامت حکمرانی، مولد آگاهی، مسئولیت پذیری اجتماعی و نمود آزادی به عنوان عنصری از رشد فردی و اجتماعی است. بدیهی است دولتی که «عدالت و جمهوریت» را شعار محوری گفتمان خود قرار داده و بناست که شنوای و گویای صدای مردم علی الخصوص محرومان جامعه باشد، به لوازم این مهم التفات ویژه نماید. به واسطه وضعیت نامناسبی که جامعه ایران در دهه ۹۰ پشت سر گذاشته، ممکن است اعتراضات با بسامد بیشتری نسبت به گذشته رخ بدهد؛ لذا در مدیریت مسئله اعتراض، سعه صدر و تدبیر، امری ضروری است.

بدیهی است تقویت «فرهنگ اعتراض» در برابر «نافرنگ اغتشاش»، تسهیل قانونی برگزاری اعتراض مدنی، حمایت از نهادهای صنفی و احیای نقش کارکردی آنها در پیگیری مطالبات، توجه عملیاتی به مطالبات مردمی، گفت و گوی مؤثر با نخبگان و گروههای مرجع، استفاده از ظرفیت نهادهای فرهنگی و رسانه های عمومی و اتخاذ تدابیر امنیتی لازم برای جلوگیری از «خروج از وضعیت اعتراض» و «ورود به وضعیت اغتشاش» از جمله اقداماتی است که دولت سیزدهم را در افزایش سرمایه اجتماعی نظام و استقرار نظم سیاسی مطلوب گفتمان «عدالت و جمهوریت» یاری می رساند. ▶

پی نوشت

۱. جنبش های اعتراضی به خصوص در کشورهایی که خواهان استقلال سیاسی از نظم نوین استعماری جهانی هستند، همواره با مداخله مستقیم و غیرمستقیم این کشورهای استعمارگر همراه بوده که به دنبال انتفاع حداکثری از این اعتراضات است. تاریخ جنبش های اعتراضی معاصر ایران در نقاط عطف خود، از انقلاب مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد و در سرکوب ها و کارشکنی ها در مسیر تحقق مردمی جنبش مانند جنبش کوچک خان جنگلی و مقابله با خیزش های محلی و منطقه ای مردم در آستانه انقلاب اسلامی علیه رژیم پهلوی، شواهد فراوانی را در این باره به جای گذاشته است. این جریان در بعد از انقلاب اسلامی نیز هموار سعی در ایجاد اعتراضات ساختگی یا انحراف مسیر اعتراض داشته است. جدای از اسناد و مدارک برجای مانده از لایه جاسوسی و حوادث اوایل انقلاب، اظهارات و اقدامات علنی مداخله چوبانه در اعتراضات دهه ۷۰ تا به امروز کشور، آشکارا قابل دریافت است. به نظر می رسد مهمترین دلیل پیچیده شدن موضوع اعتراض و سختی شکل گیری بسترهای مدنی آن در جامعه ایران ناشی از همین مداخله بیگانگان و انحرافی است که در مسیر اعتراض و تبدیل آن به اغتشاش و شورش های اجتماعی علیه نظم سیاسی مستقر است.